

• دریافت مقاله: ۸۶/۷/۱

• ارسال برای داوران:

۸۶/۸/۲۱ (۱)

۸۶/۸/۲۱ (۲)

۸۶/۸/۲۱ (۳)

۸۷/۹/۴ (۴)

۸۷/۹/۴ (۵)

• دریافت نظر داوران:

۸۶/۹/۲۸ (۲)

۸۷/۹/۲۵ (۴)

۸۷/۱۰/۱۲ (۵)

• ارسال برای اصلاحات:

۸۷/۱۱/۱۲ (۱)

۸۸/۷/۱۸ (۲)

• دریافت اصلاحات:

۸۸/۴/۲۲ (۱)

۸۸/۱۰/۲۲ (۲)

• ارسال برای داور نهایی:

۸۸/۴/۲۳ (۱)

۸۸/۱۱/۶ (۲)

• دریافت نظر داور نهایی:

۸۸/۵/۳۱ (۱)

۸۸/۱۱/۱۲ (۲)

• پذیرش مقاله: ۸۸/۱۲/۲۴

Scientific-Research Journal
Of Shahed University
Sixteenth Year, No.39
Feb.-Mar. 2010
Education & Society

دوماهنامه علمی - پژوهشی

دانشگاه شاهد

سال شانزدهم - شماره ۳۹

اسفند ۱۳۸۸

بررسی تربیت اخلاقی از منظر امام صادق(ع) (مبانی، اصول، روش‌های تربیتی)

نویسندگان: دکتر محسن فرمهینی فراهانی*^۱، دکتر محمدحسن میرزامحمدی^۱ و
علی امیرسالاری^۲

۱. استادیار دانشگاه شاهد

۲. کارشناس ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش

* Email: farmahinifar@yahoo.com

چکیده

در پژوهش حاضر به با روش تحلیل اسنادی، مبانی، اصول و روش‌های تربیت اخلاقی از دیدگاه امام صادق(ع) مورد بررسی قرار گرفته است. جامعه آماری، کلیه منابع دست اول (آثار مربوط و منتسب به امام صادق(ع)) و منابع دست دوم از منابع غنی اسلامی و احادیث و روایات و اقوال منقول از امام صادق(ع) است که در نشریات و سایت‌های اینترنتی و پژوهش‌ها و تحقیقات مرتبط با موضوع تحقیق موجود می‌باشد و نمونه‌گیری به شیوه هدفمند انجام شده و بر این اساس از منابع فوق‌الذکر استفاده گردیده است. ابزار پژوهش نیز فیش برداری بوده و یافته‌های حاصل از پژوهش مورد تحلیل قرار گرفته است که عمده‌ترین یافته‌ها عبارتند از: ۱) مبانی تربیت از منظر امام صادق(ع) شامل شش مبنا، خداجویی و بندگی خدا، عقلانیت و اندیشه‌ورزی، کرامت، ضعف، هدایت‌پذیری انسان، جذبه حسن و احسان است. ۲) مبنا خداجویی و بندگی خدا شامل اصل تقوی و زهد و مبنا عقلانیت و اندیشه‌ورزی شامل اصول اعتدال و تذکر و مبنا کرامت شامل اصل عزت و مبنا ضعف شامل اصول سعه‌صدر، مسامحت و مبنا هدایت‌پذیری انسان شامل اصول تبلیغ و ارشاد و تعلیم و مبنا جذبه حسن و احسان شامل اصول فضل، تواضع و آراستگی است. ۳) در مجموع شش مبنا و ۱۱ اصل یاد شده دارای ۲۹ روش تربیتی می‌باشد که همگی به منابع فوق‌الذکر و منتسب به امام صادق(ع) مستند شده است.

کلیدواژه‌ها: امام صادق(ع)، اخلاق، تربیت اخلاقی، مبانی تربیت، اصول تربیت، روش‌های تربیت

مقدمه

نهانی، احتیاج به تربیت دارد و در این میان پرورش فضایل اخلاقی یکی از مهم‌ترین و در عین حال مشکل‌ترین کار است و انجام این کار از هدف‌های مهم و والای رسالت پیامبران خدا بوده است تا انسان را در مسیر کمال که علت غایی آفرینش است قرار دهند، چنانکه رسول گرامی اسلام(ص) فرموده‌اند، فلسفه بعثت

انسان گل سرسبد جهان آفرینش خداوند متعال است که در نیکوترین صورت (وجه) آفریده شده‌است «لقد خلقنا الانسان فی احسن التقویم» (قرآن کریم، سوره تین، آیه ۴) او دارای ابعاد وجودی متنوع است که برای شکوفاشدن و متعالی شدن این ابعاد و استعدادهای

ایشان هم تکمیل مکارم اخلاقی بوده است و قرآن کریم راز بعثت تمام انبیا را تعلیم و تربیت و تزکیه بشر یاد کرده است. (سوره جمعه، آیه ۲) اخلاق و تربیت اخلاقی از دیرباز مورد توجه اندیشمندان بشری و پیشوایان دینی بوده است. قسمت اعظم آموزه‌های دینی یهود، مسیحیت، اسلام و دیگر ادیان را اخلاقیات و قسمت بیشتر فعالیت‌های اولیای دین‌های مختلف را تربیت اخلاقی تشکیل می‌دهد. [۱]

بعد از انبیا و اوصیاء الهی، فلاسفه و اندیشمندان مختلف اعم از پیروان مکاتب الهی و پیروان مکاتب مادی هر یک با بیش و اهداف خاص خود از تربیت و اخلاق سخن گفته و اصول و روش‌هایی را برای آن ارائه داده‌اند گرچه عده‌ای دیگر نیز به طرح سؤال تردیدآمیز نسبت به ضرورت تربیت اخلاقی و ارزشی می‌پردازند و عده‌ای دیگر امکان تربیت اخلاقی و ارزشی را منتفی می‌دانند. به عنوان مثال در قرن پنجم پیش از میلاد سوفسطائیان از اخلاق سخن می‌گفتند اما نه در تأیید آن، بلکه می‌گفتند اخلاق، زنجیری است که ضعفا برای به بند کشیدن اقویا ساخته‌اند [۲]

نخستین فیلسوفی که در تأیید اخلاق سخن گفت و به انسان و مسایل انسان توجه کرد سقراط بود که به نحو نظام‌دار و با به کار بردن روش دیالکتیک فلسفه اخلاق را بنا نهاد. البته قبل از وی در کلام زردشت نیز با نمونه‌ای از اخلاقیات روبرو هستیم لیکن وی به شیوه‌ی فلسفی اخلاق را مورد کندو کاو قرار نداده است. در یونان باستان، اخلاق فضیلت، رویکرد اخلاقی غالب به شمار می‌رفت، از این رو سخن گفتن از فضایل مترادف با سخن گفتن از اخلاق بود لکن همراه با تحولات فراوان در عرصه‌های مختلف و در شرایط جدید دیگر نظریه فضیلت تنها نظریه اخلاقی مقبول به‌شمار نمی‌رفت و حتی تحت‌الشعاع نظریه‌های دیگر همچون سودگرایی، عاطفه‌گرایی و تکلیف‌گرایی کانت قرار گرفت [۳]

در عصر جدید فیلسوفان طرفدار اخلاق نوین (modern ethics) دست از پند دادن و نصیحت کردن برداشته‌اند و فقط به تحلیل فلسفی می‌پردازند و

می‌کوشند تا مفاهیمی را که هنگام قضاوت‌های اخلاقی به کار می‌رود روشن سازند این کار برای این است که پس از تحلیل نظریه‌های اخلاقی و روشن شدن اصطلاحات و مفاهیم، شخص بتواند برای گرایش به نظریه دلخواه، راحت‌تر تصمیم بگیرد. پیروان تئوری تکامل که از جمله طرفداران اخلاق نوین هستند، همه چیز از جمله اخلاق و ارزش‌های اخلاقی را در تحول و تکامل می‌بینند و به رویکردی نو تحت عنوان رویکرد تبیین فردی ارزش‌ها تأکید دارند و بر این باور هستند که هیچ نظام ارزشی خاصی را نباید بر متریبی تحمیل کرد. [۴]

رویکرد دیگر در اخلاق نوین، رویکرد لیبرال دموکراتیک در تعلیم و تربیت است که کهلبرگ از هواداران آن است و وی معتقد است که رشد درست تفکر اخلاقی دانش‌آموزان در محیطی صورت می‌گیرد که: اولاً مربی در آن نقش همکار و نه استاد را ایفا می‌کند. ثانیاً: دانش‌آموزان در فرایند کنجکاوی و تحقیق آزاد باشند و خود به موقعیت قضاوت برسند و ثالثاً چنانچه ژان پیازه و جان دیویی اصرار داشتند روند تعلیم و تربیت روندی تعاملی و دو طرفه باشد. [۵]

پست مدرنیسم‌ها گرچه اشارات و عبارات مستقیم و روشن درباره اخلاق و اصول اخلاقی عرضه نمی‌کنند لیکن می‌توان با مطالعه نوشته‌های افرادی چون رورتی، فوکو و لیوتار به عنوان پست مدرنیست به نظریات آنان پی برد. آنها نجیب و شریف بودن و شایسته بودن نسبت به شرایط و اوضاع و احوال تاریخی را نسبی می‌دانند و ریشه اخلاقیات را در عواطف (Emotions) و انگیزش‌های (motivations) معمولی انسانی می‌دانند. [۶] به نظر آنان اخلاق امری تاریخی است و طرفدار تکثر و تنوع و گروه‌های اجتماعی کوچک‌تر هستند و از تحمیل عقاید به خرده گروه‌ها انتقاد می‌کنند

از دیدگاه پست مدرنیسم اخلاق امری محلی و خاص است یعنی هیچ‌هنجار اخلاقی جهانشمول وجود ندارد. [۷] از منظر زیرو که طرفدار پست مدرنیسم است، تربیت اخلاقی مبتنی بر انتزاعات کلی که خود به انکار

همانندسازی، در رفتارگرایی تقویت و رشد شناختی، ساختمان شناختی افراد تأثیر دارد. در حالی که روش تربیت اخلاقی از نظر قدمای ایجاد فضائل علی یا عادت دادن (ایجاد ملکه) می‌باشد و برای زدودن عادات منفی باید برعکس عمل کرد. [۹]

رهنما در پژوهشی که پیرامون تجزیه و تحلیل خاستگاه‌ها، غایات و روش‌های تربیت اخلاقی از دیدگاه کانت و خواجه نصیرالدین طوسی انجام داده چنین نتیجه‌گیری می‌کند که: از دیدگاه کانت و خواجه نصیرالدین طوسی خرد خاستگاه اصلی تربیت اخلاقی است و هدف اصلی تربیت اخلاقی از دیدگاه خواجه سعادت و از دیدگاه کانت پیروی اخلاقی است و در زمینه روش‌های تربیت اخلاقی بیشترین شباهت و در زمینه هدف‌های تربیت اخلاقی بیشترین تفاوت دیده می‌شود. [۱۰]

فارلی «Farrelly» در پژوهشی تحت عنوان «یک رویکرد جدید در تربیت اخلاقی، الگوی در هم تنیده تربیت منش» نتیجه می‌گیرد که: پرورش منش با آموزه‌های اخلاقی در قالب یک برنامه جامع و کلی امکان‌پذیر است و در آن نیازها، علایق و مجموعه شرایط عاطفی و اجتماعی و شناختی شاگردان در تعامل با نیازها و شرایط محیط اجتماعی شکل می‌گیرد.

علاوه بر دیدگاه‌ها و نظرات و پژوهش‌های فوق‌الذکر، کسان دیگری نیز طی دوران‌های متمادی اعم از قدما و معاصرین از اخلاق و تربیت اخلاقی بحث به میان آورده‌اند، لیکن هنوز ابهامات و سؤالات گوناگونی در این زمینه وجود دارد و مسأله کماکان به قوت خود باقی است و احتیاج به بحث و پژوهش کافی دارد، آن چه مسلم است این است که استفاده از آیات شریف قرآن و احادیث و روایات معصومین (علیهم‌السلام) من جمله امام صادق (ع) و بیان روش‌های تربیتی از نظر ایشان در بهبود تربیت اخلاقی می‌تواند مؤثر باشد

تحقیقاتی که در جهان اسلام در باره تربیت اخلاقی مطرح شده می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد: تحقیقات و آثار دانشمندان متقدم و تحقیقات دوره

ویژه بودن زندگی انسان‌ها و بی توجهی بر جنبه‌های خاص و محلی و کم توجهی به تفاوت‌ها و اختلافات و تکثرها منجر می‌شود ناشی از دسته‌بندی‌های جهانی بنیادهاست که خود امری توتالیتر و تروریستی است. [۸]

از دیدگاه اسلام پرورش فضایل اخلاقی یکی از مهم‌ترین اهداف والای رسالت پیامبران خدا بوده است تا انسان در مسیر کمال که علت غایی آفرینش است قرار گیرد و فلسفه شریعت اسلام و آداب و احکام الهی همانا تکامل انسان و جاودانگی اوست که جز با تخلق به اخلاق فاضله میسر نیست. اسلام مکتبی است جامع و واقع‌گرا که در آن به همه جوانب نیازهای بشری اعم از دنیایی و آخرتی، جسمی و روحی، فردی و اجتماعی و غیره توجه شده است و دارای اصول و معیارهایی محکم و مشخص می‌باشد و برای تمام امور زندگی بشر برنامه دارد. در این دیدگاه اصول اولیه اخلاق و معیارهای اولیه انسانیت به هیچ وجه نسبی نیست و همان‌طور که می‌بینیم در اسلام از پیامبر (ص) تا امام حسن عسکری (ع) اصولی را بالاتفاق طرد و اصول دیگری را تأیید کرده‌اند که نتیجتاً معلوم می‌شود اینها معیارهایی مهم و اساسی هستند

در زمینه تربیت اخلاقی در میان پژوهشگران داخلی و خارجی تحقیقاتی صورت گرفته است که گرچه دقیقاً به موضوع مورد بحث ما در این مقاله نپرداخته‌اند لیکن به تعدادی از آنها اشاره خواهد شد.

باقری در پژوهشی تحت عنوان «نقد تطبیقی مبانی و شیوه‌های تربیت اخلاقی (اخلاق قدما و روان‌شناسی معاصر)»، بیان می‌دارد یکی از تفاوت‌های اصلی تربیت اخلاقی قدما در مقایسه با نظریات جدید آن است که آنان بر علت غایی یعنی غایت‌شناسی فلسفی توجه دارند در حالی که به جز نظریه روانکاوی که به غایت‌گرایی علمی و نه فلسفی معتقد است. بقیه نظریه‌های جدید به خصوص رفتارگرایی به علیت فاعلی توجه کرده و علت غایی را رد می‌کنند. از نظر قدما معیار فضیلت اخلاقی اعتدال نفسانی است. در بحث از روش‌ها و اصول تربیت اخلاقی از دیدگاه نظریات جدید در روانکاوی

از آن به عنوان راهنمای عمل در تدابیر تربیتی استفاده کرد. اصول در علوم تربیتی به شکل قضیه‌هایی که حاوی «باید» است بیان می‌شود. [۱۱] برای بیان هر اصلی به یکی از ویژگی‌های عمومی انسان تکیه خواهد شد. و در پی آن، برای توضیح روش‌های تربیتی نیز به تناسب به اصول اتکا خواهد شد. روش‌ها، نیز دستورالعمل‌هایی هستند که به ما می‌گویند برای رسیدن به مقصد و مقصود موردنظر چه باید بکنیم این روش ارتباط منطقی و نظم بیشتری در ارائه مطالب فراهم می‌آورد. در توضیح مطالب تلاش شده است پس از بیان هر مبنا، اصول و روش‌های، مربوط به آن با توجه به احادیث و روایت منتسب به امام صادق (ع) مستند شود. در این تحقیق به اصول و روش‌هایی اشاره شده است که محقق توانسته است برای آن مستندات از احادیث و روایات منتسب به امام صادق (ع) بیابد بدیهی است با جستجوهای تکمیلی در منابع بتوان اصول و روش‌های دیگری نیز برای تربیت اخلاقی استخراج کرد.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر از نوع تحلیل اسنادی بوده که با بررسی احوال و آثار و بیان اقوال و احادیث امام صادق(ع) به توصیف تربیت اخلاقی از دیدگاه آن امام بزرگوار پرداخته و سپس با تحلیل اقوال و روایات مذکور، مبانی، اصول و روش‌های تربیتی استخراج و ارائه شده است.

جامعه متنی تحقیق شامل کلیه منابع دست اول (آثار مربوط و منتسب به امام صادق(ع)) و منابع دست دوم از منابع غنی اسلامی و احادیث و روایات و اقوال منقول از امام صادق(ع) است که در نشریات و سایت‌های اینترنتی مذهبی و پژوهش‌ها و تحقیقات مرتبط با موضوع تحقیق موجود می‌باشد.

یافته‌های پژوهش

بدین منظور ابتدا اشاره مختصری به اخلاق و تربیت اخلاقی از دیدگاه امام صادق (ع) خواهد شد و در ادامه

معاصر. با اندکی تسامح می‌توان گفت در آثار دانشمندان متقدم مانند خواجه نصیرالدین طوسی و غزالی، رویکرد حاکم بر تربیت اخلاقی بیشتر رویکرد طبیعی و طبی است. بدین معنا که معتقد بودند برای ایجاد فضائل و از بین بردن رذائل، باید به طبیعت و طب اقتدا کرد. اقتدا به طبیعت به این معنا است که نخست باید به تربیت و تهذیب قوای نفسانی‌ای پرداخت که در انسان بیش از دیگر قوا رشد می‌کند و اقتدار به طب به این معناست که نخست باید سبب رفتارهای نابهنجار اخلاقی را شناسایی و سپس با استفاده از روش‌های مختلف آن را از میان برد و پس از آن سعی کرد حالت سلامت اخلاقی در فرد حفظ شود. در تحقیقاتی که در دوره معاصر در باره تربیت اخلاقی شده می‌توان به دو رویکرد اشاره کرد: [۱]

الف- رویکرد استخراج دلالت‌های فلسفه‌های اسلام در تربیت اخلاقی: در این رویکرد محقق می‌کوشد دلالت‌ها و آثار فلسفه اسلامی خاصی را در زمینه تربیت اخلاقی استخراج کند (رویکرد فلسفی)

ب- رویکرد کشف و استخراج تربیت اخلاقی از منابع اسلامی، یعنی قرآن و سنت: در این رویکرد محقق مسائل و موضوعات اخلاقی را به قرآن و سنت عرضه کرده و می‌کوشد پاسخ آنها را از متون دینی استنباط کند(رویکرد متنی) در این تحقیق رویکرد غالبی رویکرد متنی است که تلاش می‌شود با توجه به احادیث و روایات و قول و تقریر و رفتار و کردار منسوب به امام صادق(ع) مبانی، اصول و روش‌های تربیت اخلاق استخراج گردد. در این رابطه سؤال پژوهشی زیر مطرح است: مبانی، اصول و روش‌های تربیت اخلاقی از نظر امام صادق(ع) کدامند؟

در این پژوهش، مبانی گزاره‌های توصیفی هستند که عنایت به ویژگی‌های اساسی انسان دارند و در واقع مجموعه قانونمندی‌های شناخته شده در علوم نظری چون روان‌شناسی و جامعه‌شناسی است که تعلیم و تربیت به آن تکیه دارد. و اصل، قاعده عامه‌ای است که می‌توان آن را به منزله دستورالعمل کلی در نظر گرفت و

به سؤال تحقیق پاسخ داده خواهد شد. بدین منظور ابتدا مبنا، سپس اصول مربوط به آن مبنا و در انتها روش‌های تربیتی مربوط به آن اشاره خواهد شد و در انتهای هر مبنا نیز جدول مربوطه ارائه خواهد گردید. امام صادق (ع) در مورد اخلاق می‌فرماید: «اخلاق بخششی است که خدای عزوجل به مخلوقاتش عطا می‌کند و بخشی از آن غریزی و فطری و برخی از آن (وابسته) به نیت (آدمی) است (یعنی با تصمیم و اکتساب و تمرین حاصل می‌شود و غریزه و فطرت ثانوی می‌گردد) [۱۲] و با مطالعه سیره تربیتی آن حضرت می‌توان این‌طور برداشت کرد که: تربیت اخلاقی همان پاک کردن غبار فراموشی از فطرت انسانی است و از طرف دیگر پرورش استعدادها و نهفته وی برای کسب فضایل اخلاقی است و واداشتن نفس انسانی به تمرین و ممارست در آنچه به خوبی و خیر اخلاقی تعبیر می‌شود و انسان را به سوی رشد و تعالی الهی رهنمون می‌سازد و دوری از آنچه انسان را از خداوند و سعادت ابدی دور می‌سازد، می‌باشد. تربیت اخلاقی از دیدگاه امام صادق (ع) توحید مدار، تقوا محور و فطرت مدار است.

مبنای اول: خداجویی و بندگی خدا

مطابق این مبنا، اساس تربیت اخلاق اسلامی، باور به وحدانیت خداوند و بندگی اوست، زیرا اخلاق فاضله در ثبات و دوام خود نیاز به ضامنی دارد که از آن حفظ و حراست کند و این ضامن چیزی جزو توحید و بندگی خدا نیست. در واقع تنها دژ محکمی که می‌تواند انسان را از هر گونه حطا و لغزش و رذیلت‌های اخلاقی باز دارد، دژ توحید و بندگی خداست. تلاش تمام انبیا این بوده است که با گشودن راه بندگی خدا انسان‌ها را به غایت تربیت سوق دهند لذا در تربیت اخلاقی تقوا و زهد الهی، اصول و دستورالعمل‌هایی است که مطابق با فرمایشات امام صادق (ع) باید از آن تبعیت کرد و با به‌کارگیری روش‌هایی همچون: مراقبه و محاسبه نفس، خوف و رجاء، انجام واجبات و ترک محرّمات و... به آن رسید.

– اصل تقوی و زهد

تقوی یک مفهوم عام اخلاقی است و در صدر مفاهیم اخلاقی قرار دارد و داروی شفا بخش بیماری‌ها قلب و جسم است. تقوا نیرویی است روحانی که بر اثر تمرین‌های زیاد پدید می‌آید و پرهیزهای معقول و منطقی، لزوم یک طرف سبب و مقدمه پدید آمدن این حالت روحانی است و از طرف دیگر معلول و نتیجه آن است. زهد نیز به معنای دل‌نستن به دنیا و رها شدن از اسارت است. زهد ترک دنیای مذموم و دل‌کندن از آن است. انسان جز با زهد یعنی پشت کردن به تعلقات پست و ترک دلبستگی‌های نفسانی پیش نمی‌رود و به کمال حقیقی نمی‌رسد. امام صادق (ع) فرموده‌اند: «همه بدی در خانه‌ای نهاده شده است و کلیدش را دوستی دنیا قرار داده‌اند و همه نیکی در خانه‌ای نهاده شده است و کلیدش را زهد قرار داده‌اند.» [۱۳، ۱۲]. زهد بنا بر فرمایشات امام صادق (ع) باعث آرامش و آسودگی است. امام صادق (ع) در این زمینه می‌فرمایند «شیفتگی در دنیا غم و اندوه است و زهد در دنیا آسایش جسم و جان است. [۱۴] امام در جای دیگر می‌فرمایند: از خدا پروا کنید و دیتان را با پارسایی نگهدارید. [۱۵]

– روش مراقبه و محاسبه نفس

یکی از روش‌های مهم خودسازی، حساب‌رسی از خود است این که انسان به حساب رسی نفس خویش بپردازد از سفارش‌های امام صادق (ع) است. امام می‌فرمایند: از هوی و هوس‌های خود پرهیزید، همچنان که از دشمنان خود پرهیز می‌کنید. [۱۲] و یا می‌فرمایند – بر هر مسلمانی که ما «ائم» را می‌شناسد، واجب است که کارهای شبانه روز خود را به وجدان خود عرضه کند. و محاسب خود باشد اگر در اعمال خود کار نیکی دهید آنرا بیشتر نماید و اگر گناهی دید از آن توبه کند، تا روز قیامت خوار نگردد. [۱۵]

– روش مجاهده و تحمیل بر نفس

شیوه دیگری که در سیره تربیتی ائمه معصومین به‌ویژه در فرمایشات امام صادق (ع) در مبارزه با نفس و

اصل اعتدال

اعتدال استوارترین و کوتاه‌ترین راه تربیت است سلامت اخلاقی فرد و جامعه در گرو تربیتی متعادل است. حکمای اسلامی اخلاق را در اعتدال در خوی و صفات می‌دانند و برای سعادت و رستگاری انسان و رساندن او به سعادت راه اعتدال را توصیه می‌کنند. بر هر خردمندی واجب است که در اکتساب فضایل اخلاقی که حد وسط و اعتدال در خوی و صفات است و از جانب شریعت به ما رسیده کوشا باشد و از رذایل که افراط و تفریط است اجتناب کند. خدای متعال امت اسلامی را امتی متعادل و میانه معرفی می‌کند (سوره بقره، آیه ۱۴۳)

– روش اعتدال بیم و امید

امید بیش از اندازه فرد را گستاخ، و خوف و بیم بیش از اندازه فرد را متوقف می‌سازد لذا مربی در هر فعل اخلاقی باید بر مدار اعتدال سیر کند. از امام صادق (ع) روایت شده است که گفت: پدرم می‌فرمود «هیچ بنده مومنی نیست مگر آن که در دلش دو نور است: نور بیم و نور امید که اگر این وزن شود، از آن بیشتر نباشد و اگر آن وزن شود، از این بیشتر نباشد.» [۱۲] بهترین زمینه برای رشد و تعالی اعتدال بیم و امید است. امام صادق (ع) در این زمینه می‌فرماید – به خداوند چنان امیدوار باش که تو را به انجام گناهان بی پروا نکند و از خدا چنان بترس که تو را از رحمت او نومید نسازد. [۱۴]

– روش میانه‌روی در کارها و عبادات

انحراف از اعتدال در هر چیز از جمله در عبادت و فعالیت‌های مختلف زندگی، انحراف از حق و گمراهی است. امام علی(ع) در وصیتی به محمد ابو حنیفه می‌فرماید: هر که میانه روی را ترک کند از راه حق منحرف شود: امام صادق (ع) در این زمینه می‌فرماید – من ضامن می‌شوم که اگر کسی میانه‌روی کند، فقیر نشود [۱۷] اساساً تربیت فطری تربیتی معتدل است و به دور از هرگونه افراط و تفریط است. خداوند آدمی را به گونه‌ای خلق کرده است که هرگونه افراط و تفریط، اعتدال او را به هم می‌زند.

خودسازی به آن تأکید شده است، مجاهده و تحمیل بر نفس است. نفس انسان از سختی‌ها و ناملایمات ناخوشایند است و تمایل به رهایی از آنها را دارد و راه مبارزه با این تمایلات تحمیل کردن این حالات بر نفس است. امام صادق (ع) می‌فرماید: – با نفس خود مانند دشمن مجاهده کن. [۱۶] – کسی که رتبه او بالاتر و برتر از تو است و با تو مخالفت می‌کند (رأی او را) بپذیر و نفس خود را در برابر او رام و منقاد نما، زیرا برای این اقرار به فضیلت و برتری او کرده‌ای که با او مخالفت نکنی. [۱۵]

– روش پرهیز از معاصی

امام صادق در این زمینه می‌فرماید مبدا از کسائی باشی که به مردم از گناهی که کرده‌اند می‌ترسد و از گناه خود ایمن به سر می‌برد. [۱۲]

مبنا	اصول	روش‌های تربیتی
خداجویی و بندگی خدا	تقوی و زهد	۱. مراقبه و محاسبه نفس ۲. مجاهده و تحمیل بر نفس ۳. پرهیز از معاصی

مبنای دوم: عقلانیت و اندیشه‌ورزی

یکی از ابعاد فکری اسلام دعوت به اندیشه‌ورزی و تفکر است. متون دینی ما مسلمانان توصیه می‌کنند که انسان همواره با مشاهده جهان هستی، به قدرت و نشانه‌های هستی بیندیشد. تفکر در تشریح، تفکر در امور اجتماعی، تفکر در تاریخ، تفکر در خود، نمونه‌هایی از تفکر ذکر شده در متون دینی ماست. مطابق این مبنا، اندیشه‌ورزی، ویژگی متمایزکننده بشر از حیوانات و اساس اخلاق و تربیت اخلاقی است، چرا که از مجنون انتظار اعمال اخلاقی نمی‌توان داشت. در این راستا مطابق با فرمایشات امام صادق(ع) باید از تعقل، تذکر، دوران‌دیشی و مشورت با دیگران، به عنوان دستورالعمل‌های کلی بهره گرفت و با روش‌هایی همچون تامل و تدبیر در امور، اعتدال، آینده‌نگری و امر به معروف و نهی از منکر در این مسیر گام برداشت.

اصل تذکر

واژه ذکر به معنای یادآوری است. آدمی به سبب فرورفتن در تاریکی‌های مرتبه حیوانی و گرفتار شدن در بندهای دنیوی دچار غفلت از یاد حق، و فراموش کردن حقیقت هستی می‌شود، در این حالت راه نجات انسان متذکر شدن او به حقیقتش و رجوع دادن وی به مکارم اخلاقی است. لذا قرآن کریم کتاب ذکر است و پیامبر اکرم (ص) تذکر دهنده حقایق، فذکر انما انت مذکر، پس تذکر ده که تو فقط تذکردهنده‌ای (قرآن، عاشیه آیه ۲۱). امام صادق (ع) می‌فرمایند «هیچ چیز نیست جز آن که برای آن حد و اندازه‌ای است که بدان پایان می‌پذیرد جزء ذکر خدا که حدی ندارد تا پایان پذیرد». [۱۲] در جای دیگر امام می‌فرماید - تا توانید در هر ساعت از شب و روز ذکر خدا بسیار کنید زیرا خداوند فرموده او را بسیار ذکر کنید- و یا می‌فرماید: «خدا هم یاد کن مؤمنی است که او را یاد کند». [۱۸]

- روش امر به معروف و نهی از منکر

امام صادق (ع) در این زمینه می‌فرماید - کسی باید امر به معروف و نهی از منکر کند که سه خصلت داشته باشد: ۱- به آنچه امر به معروف و نهی از منکر می‌کند داناست. ۲- بجا نهی می‌کند. ۳- مدارا نهی می‌کند. [۱۸]

- روش یادآوری نعمت‌ها

امام صادق (ع) در این زمینه می‌فرماید - کسی که خداوند نعمتی به او داد او با قلب خود، آن نعمت را درک کرد، شکر آن نعمت را به جا آورده است. [۱۲]

- روش انذار و تبشیر

امام صادق (ع) در این زمینه می‌فرماید - خدا برای کسی که از او بترسد ضامن شده است، آنچه را خوش ندارد از او بگرداند و آنچه را او دوست دارد بدو رساند و او را از جایی که گمان نمی‌برد روزی دهد. مبادا از کسانی باشی که بر مردم از گناهی که کرده‌اند می‌ترسد و از گناه خود ایمن به سر می‌برد. با فریب به بهشت خدای در نتوان شد و آنچه را نزد دوست جز به طاعت

به‌دست نتوان آورد. [۱۲] نمونه زیر مصداقی از به‌کارگیری روش تبشیر در فرمایشات امام صادق (ع) است. از «بشیر دهان» نقل شده است، به امام صادق گفتم، چه بسا از حج محروم می‌شوم و در روزه عرفه در کنار قبر امام حسین (ع) مراسم عرفه را به جا می‌آورم. امام فرمود احسنت‌ای بشیر». [۱۲]

- روش عبرت آموزی

از جمله روش‌های تربیتی پیشوایان معصوم است عبرت گرفتن یعنی از صفات بد و رذیله به صفات خوب عبور کردن. راه‌های کسب عبرت متعدد است که از مهم‌ترین آنها عبرت از زندگی گذشتگان است تاریخ آینه‌ای است که راز پیروزی و شکست مردمان، علل عظمت و انحطاط جوامع، و عوامل ذلت و عزت آنها را بخوبی نشان می‌دهد. نقش تربیتی عبرت از دیدگاه معصومین (ع) این است که انسان را اهل عبور از غفلت به بصیرت کند و او را از خانه غرور بیرون آورد و به خانه شعور برساند امام علی (ع) در این زمینه می‌فرماید: من اعتبر ابصر: هر که عبرت گیرد بینا شود [۲۸] امام صادق (ع) هم در این زمینه می‌فرماید - چیزی از دنیا به بنده‌ای عطا نشد، مگر برای عبرت گرفتن [۱۲]

مبنا	اصول	روش‌های تربیتی
اندیشه‌ورزی و عقلانیت	اعتدال	۱. روش اعتدال بیم و امید ۲. میانه‌روی و اعتدال در کارها و عبادات
	تذکر	۱. امر به معروف و نهی از منکر ۲. یادآوری نعمت‌ها ۳. انذار و تبشیر ۴. عبرت‌آموزی

مبنای سوم: کرامت

کرامت به معنای بزرگواری و نزاهت از پستی و فرومایگی و برخوردارگی از اعتلای روحی است. رسالت همه پیامبران این بوده است که نفوس آدمیان را به کرامت برسانند. کمال آدمی در گرو رشد کرامت وی

امام صادق (ع) می‌فرماید: «...پس مومن عزیز است و ذلیل نیست. مومن از کوه سخت‌تر است. زیرا کوه را می‌توان با کلنگ تراشید و خرد می‌شود ولی هرگز از دین مومن چیزی کم نمی‌شود.» [۱۹] در نهایت تربیتی که بنیادش بر اصل عزت در آدمیان باشد، تربیتی است که در تحکیم شخصیت و حفظ فرد در برابر وسوسه‌ها و معاصی موفق خواهد بود.

– روش دوری از ذلت و سبک شماری خویش

مومن نباید خود را خوار و ذلیل کند مومن به عزت الهی عزیز است و حق ندارد عزت خود را زیر پا بگذارد و یا زمینه‌ای فراهم آورد که در برابر غیر خدا ذلیل شود. امام می‌فرماید: «سزاوار نیست مومن خود را خوار سازد.» و یا در جای دیگر می‌فرماید: «شایسته است مومن عزیز باشد.» [۱۹] و یا این که «— خدای سبحان اختیار به انسان مؤمن داده است. لیکن هرگز به وی اجازه ذلت نفس را نمی‌دهد [۱۲]

– روش تکریم شخصیت

امام صادق (ع) می‌فرماید— از ما نیست کسی که بزرگسال ما را احترام نکند و بر خردسال ما ترحم ننماید. [۱۲] و یا می‌فرمایند — سه چیز است که هر کس یکی از آنها را نزد خدا برد خدا بهشت را برای او واجب کند: انفاق در تنگدستی، خوشرویی برای همه مردم و انصاف دادن از خود [۱۲]

– روش عیب پوشی

اما م صادق (ع) در این زمینه می‌فرمایند— هر که کار زشتی را فاش کند چون کسی است که آنرا انجام داده. [۱۲]

روش‌های تربیتی	اصول	مبنا
۱. دوری از ذلت و سبک‌شماری خویش ۲. تکریم شخصیت ۳. عیب پوشی	عزت	کرامت

است و انسان در زمینه کرامت، به فضایل دیگر دست می‌یابد امام صادق(ع) می‌فرمایند: «کرامت را در فرمانبرداری خدا و خواری در نافرمانی است [۱۴] کرامت انسانی در اطاعت خداست. هر که کرامت نفس داشته باشد، تمایلات نفسانی و شهوات نزد او خوار و حقیر می‌گردد. کرامت، حافظ بسیاری از ارزش‌های الهی و انسانی است و پاسداری از حریم آن از وظایف مهم مسلمانان است. امام صادق(ع) سه چیز را گواه کرم مرد می‌داند: خوش خویی، غلبه بر خشم و چشم‌پوشی [۱۴] و در جای دیگر می‌فرماید — هر که نزد برادر مسلمانش رود و او را گرمی دارد همانا خدای عزوجل را گرمی داشته است [۱۲] انسان از نظر اسلام موجودی شریف است که در بین موجودات از موقعیت ویژه و شان و قدر برخوردار است، بدین‌لحاظ در تربیت اخلاقی باید انسان مکرم را عزیز شمرد و مایه‌های عزت‌نفس او را فراهم آورد. از آن جا که عزت حاصل کرامت است، می‌توان گفت هر جا عزت باشد کرامت نیز هست. لذا برای حفظ کرامت و عزت آدمی مطابق با فرمایشات امام صادق(ع) باید از روش‌هایی همچون عیب‌پوشی، تکریم شخصیت، پرهیز از ذلت و خوار شماری دیگران استفاده کرد.

– اصل عزت

مطابق این اصل باید انسان مکرم را عزیز داشت و مایه‌های عزت‌نفس او را فراهم آورد. خداوند خود چنین می‌کند و خود را متکفل تدبیر و برآوردن عزت انسان می‌داند و از این رو یکی از صفات خداوند «رب العزه» (صافات، آیه ۱۸۰) است. این وصف نشانگر آن است که خداوند، مالک و صاحب عزت و هم تدبیرگر عزت و عزت آور است. عزت از جنس کرامت است. هر جا که کرامت باشد، لزوماً عزت موجود نیست. بنی آدم همه مکرمند، اما همه عزتمند نیستند. از میان آنها، تنها کسانی برتر می‌آیند، از عزت بهره‌مندند. امام صادق(ع) می‌فرمایند— عزت آن است که هر گاه حق بر گردنت آمد در برابر آن خواری و فروتنی کنی [۱۲] و این حاکی از این امر است که عزت در پرتو عقل، ایمان و تقوی شکل می‌گیرد. عزت انسان را از کوه سخت‌تر می‌سازد

مبنای چهارم: ضعف

یکی از ویژگی‌های عمومی انسان ضعف در جنبه‌های مختلف بدنی، عقلی و نفس است. مقصود از ضعف به عنوان یکی از ویژگی‌های عمومی انسان، بیشتر ضعف نفس است و در مواردی این ضعف آشکار می‌شود که فرد در رویارویی با تکالیف برخاسته و در برابر قبول مسئولیت‌ها قرار گرفته است، همچون ضعف انسان در مقابل شهوات. در نظر گرفتن واقع‌بینانه ضعف‌های بشری، ما را در شکل دادن به شیوه‌ها صحیح زندگی و تعامل اجتماعی به صورت عام و شیوه‌های تربیت اخلاقی، به صورت خاص، یاری می‌رساند. زیرا مکتبی در تربیت موفق است که با آدمی به صورت واقع‌بینانه برخورد کند و ضعف‌ها و امکانات او را با هم در بگیرد. [۲۰] لذا در تربیت اخلاقی با توجه به این، ویژگی مطابق با فرمایشات امام صادق (ع) باید با سعه صدر با دیگران برخورد کرد و با مسامحت اشتباهات اخلاقی را گوشزد کرد. در این راستا، مرحله صبر، نمودن تکالیف، انعطاف‌پذیری و... از روش‌های قابل اجرا در این زمینه می‌تواند باشد.

اصل سعه صدر

سعه صدر به معنای گشادگی و فراخی سینه است داشتن قدرت دتحمل عقاید مخالف و گاه حتی پذیرش آن است. این اصل ابتدا تفاوت و اختلاف نظر را می‌پذیرد یا حداقل تحمل می‌نماید و سپس بیان می‌دارد که انسان‌ها باید تاب شنیدن عقاید متفاوت را داشته باشند. آفت بزرگ سعه صدر، خود بزرگ بینی شناختی است که باب هر گونه نقد‌پذیری را می‌بندد. [۲۰] امام صادق (ع) در این زمینه می‌فرماید: «برای یآوری، بردباری کافی است. [۱۲] ویا می‌فرماید - خوشرفتاری و مدارا کردن با مردم یک سوم خردمندی است. [۱۲]

روش انعطاف‌پذیری

منظور از انعطاف‌پذیری و مدارا، شفقت همراه با گذشت و عفو نسبت به مردم است که در رفتار و مناسبات انسان مسلمان با هم و با دیگر انسان‌ها ضرورت دارد. امام

صادق (ع) می‌فرماید - انسان کارگزار باید از خودکامگی و خودمحوری بپرهیزد و مدیر باید انعطاف‌پذیر و مهربان باشد. [۲۱]

روش صبر

امام صادق (ع) می‌فرماید - آن‌گاه که برای مشکل و بلیه‌ای پیش می‌آید خودت را وادار به صبر کردن کن. [۱۶] و یا می‌فرماید- صبر سر ایمان است. [۱۲]

اصل مسامحت

انسان به دلیل ضعف نفس، در قبال به دوش گرفتن تکالیف فرو می‌شکند از این رو اصل مسامحت چون قاعده‌ی عامه است که در جریان ارتباط تربیتی و به‌ویژه تربیت اخلاقی باید آن را رعایت کرد- امام صادق (ع) می‌فرماید: «هر که در کار خود نرمی کند، هر چه از مردم خواهد بدان رسد». [۱۲]

روش مرحله‌ای کردن تکالیف

پسر باید هفت سال بازی کند و هفت سال سواد بیاموزد و هفت سال به آموزش حلال و حرام بپردازد. [۲۲]

روش تجدیدنظر در تکالیف

حضرت به نقل از آباء گرامش که از پیامبر نقل کرده‌اند، فرمودند: مگر نمی‌دانید در ابتداء اسلام دستور داد هر مؤمن در مقابل ده نفر از کفار باید جنگ کند و پایدار باشد و اجازه فرار نداشت. اگر فرار می‌کرد وعده آتش جهنم به او داده شده بود بعد این حکم را از جهت ترحم بر مؤمنین تغییر داد و دستور رسید که هر یک از مؤمنین در مقابل دو نفر کافر باید پایدار باشند خداوند به ایشان تخفیف داد، دستور دو نفر ده نفر را نسخ کرد و از بین برد.

روش استدراج

استدراج به معنای اندک اندک و آهسته آهسته پیش رفتن است و هر کس باید با توجه به وسع و توانایی‌اش از او انتظار است. امام صادق (ع) مثالی را بیان

فرموده‌اند که لزوم توجه به این روش را روشن می‌کند. حضرت چنین مثال زده‌اند که مردی مسلمان همسایه‌ای نصرانی داشت که او را به اسلام دعوت کرد و آن قدر از اسلام تعریف کرد که آن مرد نصرانی پذیرای اسلام شد. سحرگاه نزد تازه مسلمان رفت و او را به نماز دعوت کرد سپس نماز صبح را به جای آوردند و در مسجد ماندند تا صبح روشن شد. تازه مسلمان برخاست تا به خانه‌اش رود اما همسایه‌اش گفت کجا می‌روی، روز کوتاه است و چیزی تا ظهر نمانده است پس او را همراه خود در مسجد نگاه داشت و نهایتاً او را برای نماز ظهر، نماز عصر و نماز مغرب نگاه داشت. روز بعد، که برای دعوت به نماز رفت، تازه مسلمان گفت برای این دین شخص بیکارتر از من پیدا کن که من فردی مستمند و عیالوارم [۱۲] و یا در جای دیگر امام می‌فرماید: «ایمان مانند نردبانی است که ده پله دارد و مؤمنین پله‌ای را بعد از پله دیگر بالا می‌روند» [۱۲]

مبنا	اصول	روش‌های تربیتی
ضعف	سعه صدر	۱. انعطاف‌پذیری ۲. صبر
	مسامحت	۱. مرحله‌ای نمودن تکلیف ۲. تجدید نظر در تکالیف ۳. استدراج

مبنای پنجم: هدایت‌پذیری انسان

از دیدگاه امام صادق (ع) هدایت انسان در جهت سیر الی الله و مکارم اخلاقی مبنای کلیدی است و این که در همگان استعداد خدا گونه شدن وجود دارد، بدین لحاظ باید تبلیغ و تعلیم را در دستور کار قرار داد و با روش‌هایی همچون مناظره، تادیب، ایجاد عادات مطلوب و... در این مسیر گام برداشت.

- اصل تبلیغ و ارشاد

امام صادق (ع) در این زمینه می‌فرماید - تا قدرت و توان داری در ارشاد و راهنمایی دیگران بکوش چه در نزد پروردگار عملی ارزشمندتر از آن وجود ندارد. [۲۳]

- روش مناظره و مباحثه

امام صادق (ع) در این زمینه به طیار (یکی از اصحاب) فرمود: صحبت‌های امثال تو ناخوشایند نیست. کسی که هر گاه اوج گیرد به خوبی فرود آید و هرگاه فرود آید به خوبی اوج گیرد، کسی که چنین قدرتی داشته باشد، مناظره کردن او را ناخوش نداریم. [۱۴]

- روش موعظه

معصومین (ع) در تربیت اخلاقی از این ابزار استفاده کرده‌اند حجم عظیم روایات که در منابع دینی تحت عناوینی از قبیل مواعظ، حکم، و نصایح نقل شده است مویذ این ادعا است. نقش موعظه جهان‌زدایی و غفلت‌زدایی است. باین حال واعظ باید شرایطی از جمله ایمان و عمل داشته باشد تا موعظه‌اش اثر کند. امام صادق (ع) می‌فرماید «هرگاه عالم به علمش عمل نکند موعظه‌اش بر دلها می‌لغزد چون باران بر سنگ». [۱۴]

- اصل تعلیم

امام صادق (ع) در زمینه تعلیم می‌فرماید- قبل از آنکه «مرجئه» بر شما پیشی گیرند و فرزندانان را گمراه کنند، بر آنان پیشی بگیرید و به فرزندانان سخن حق را بیاموزید. [۱۷] و یا می‌فرمایند - کسی که به دیگری خیری را آموزد، برای اوست مثل پاداش کسی که به آن عمل کند. [۱۲] و در رابطه با روش ایجاد بستر مناسب برای آموزش می‌فرمایند - پگاه در جستجوی دانش باشید، من از خدای خویش درخواست کرده‌ام که بین الطلوعین را برای امت من مبارک قرار دهد. [۱۹] و یا در مورد اهمیت تادیب می‌فرمایند: اگر یکی از جوانان شیعه را نزد من بیاورند که وظیفه خود را در شناخت دین انجام نمی‌دهند او را تأدیب می‌کنم. [۱۴]

– روش توأم کردن علم با عمل (آموزش عملی)

برخی از مطالب را جز از راه عمل نمی‌توان آموزش داد. آموزش عملی چون با حواس انسان بیشتر سروکار دارد، عمیق‌تر و ماندگارتر است. در یک روز سرد شخصی خدمت امام صادق(ع) رسید و از اسم اعظم جويا شد. امام فرمود: وارد این حوض آب شو و غسل کن تا اسم اعظم را به تو بگویم. آن مرد وارد حوض شد و غسل کرد. چون خواست بیرون بیاید، امام به غلامان خود فرمود نگذارید از آب خارج شود. مدتی در آب ماند تا این که از سرما عاجز شد و صدا زد «رب اغثنی» خدایا به فریادم رس. در این هنگام امام فرمود «هذا ما سالت عنه» این همان اسم اعظمی است که از من پرسیدی. بنده هرگاه مضطر شود خدا را با این نام خواند. خدا به فریاد او خواهد رسید [۲۴]

امام در جای دیگر می‌فرماید – هر عملی وبال عالم است مگر علمی که بدان عمل شود [۱۴]

پاکی و رذایل می‌کشاند. درسیره امام صادق (ع) بحث از الگو و تأکید بر نقش الگویی پیامبر اکرم در تمام ابعاد زندگی کرد ویژه دارد در روش الگویی انسان نمونه‌ای عینی را مطلوب خویش می‌گیرد و به شبیه‌سازی دست می‌زند و تلاش می‌کند در همه امور خود را همانند الگو مطلوب خویش قرار دهد. هم سطحی عملی الگو با فراگیران، همراهی و همدردی عاطفی با آنان و هماهنگی رفتار و گفتار الگو از عوامل مؤثر در روش الگویی است.

روش‌های تربیتی	اصول	مبنا
۱. مناظره و مباحثه ۲. موعظه	تبلیغ و ارشاد	هدایت‌پذیری انسان
۱. توأم کردن علم و عمل ۲. ایجاد عادات مطلوب ۳. روش الگویی	تعلیم	

– روش ایجاد عادت مطلوب

امام صادق(ع) خود با انجام عملی و زبانی به این مهم می‌پرداختند که نمونه‌ای از آن ذکر می‌شود:

– ابوریع شامی گفت: به محضر امام صادق(ع) رسیدم. خانه سرشار از جمعیت از مردم خراسان و شام و سایر مناطق بود و جایی برای نشستن خود نیافتم. امام(ع) که تکیه زده بود نشست و فرمودای شیعیان خاندان محمد(ص) بدانید که نیست از ما کسی که هنگام خشم خوددار نباشد و با هم صحبت خود خوش صحبت نکند و با هم خلق خود خوش خلقی ننماید و کسی که با او رفیق است، رفاقت نکند و با همسایه خود حسن همجواری ننماید و با کسی که با او خوشمزگی کند، خوشمزگی ننماید و.. [۱۴]

روش الگویی

این روش یکی از بهترین روش‌ها برای انگیزه بخشی و راهبری متربیان است. الگوهای پاک و با فضیلت، انگیزه و میل به پاکی و آراستگی به فضایل را در فرد ایجاد می‌کند و الگوهای ناپاک و بی فضیلت فرد را به سوی نا

مبنای ششم: جذبه حسن و احسان

هرچه در آدمی سرور برانگیزد و در رغبتی به جای گذارد و اجد حسن است. حسن گاه از طریق حس دریافت می‌شود و گاه از طریق غیر حس. و از این رو به اعتبار نخست، به معنای «زیبایی» و به اعتبار دوم به معنای «خوبی» خواهد بود. پس می‌توان گفت آن چه دارای حسن است، آدمی را می‌انگیزد و کششی در وی پدید می‌آورد. احسان به معنی آن چیزی است که چیزی را به نحوی قرار دهند که دارای حسن باشد. [۲۵]

احسان در تربیت اخلاقی نقش کلیدی دارد، چرا که احسان در انسان قدرشناسی و تواضع را بر می‌انگیزاند و چنانکه گفته‌اند «الانسان عبید الاحسان» انسان بنده احسان است. مطابق فرمایشات امام صادق (ع) یکی از ویژگی‌های انسان این است که همواره خواهان و دوستدار نیکی و احسان است و این امور برای او جذبه دارد، بدین لحاظ باید با فضل و تواضع با او رفتار کرد و آراستگی او را در جنبه‌های مختلف باعث شد و با استفاده از روش‌هایی همچون مهرورزی، کظم غیظ، خوش اخلاقی، آراستن ظاهر و... به آن نائل شد.

- اصل فضل

اصل فضل بیانگر آن است که نیکی واحسان بر انسان مؤثر است و حتی قدرت مهار زدن بر کردارهای اخلاقی را دارد. فضل رابطه‌ای مبتنی بر عدم موازنه است. هر گاه رابطه‌ای موازنه برقرار شد آن را عدل گوئیم و هر گاه این میزان فاصله بگیریم (در صورتی که فراتر از آن رویم) به فضل روی آورده ایم. این حدیث را «زراره» از امام صادق (ع) روایت کرده است که «هرکس قصد عمل نیکی کند، اما آن را به جای نیاورد، مانند آن عمل به نفع او نوشته می‌شود و هرکس قصد عمل نیکی کند و آن را به جای آورد، ده مانند آن عمل به نفع او نوشته می‌شود و هرکس قصد عمل بد کند (بدون انجام آن) به ضرر او چیزی نوشته نمی‌شود و هر کسی قصد عمل بدی کند و آن را به جای آورد، تنها همان گناه به ضرر او ثبت می‌شود. که این امر حاکی از فضل و کرم خداوندی است. و لذا باید دایماً فضل خداوندی را در مورد خود خواستار باشیم و در مورد دیگران حتی المقدور به فضل برخورد نماییم. امام صادق (ع) می‌فرماید - کسی که از فضل خدا مسألت نکند فقیر و نیازمند می‌گردد. [۱۸]

- روش عطا و بخشش (هدیه)

امام صادق (ع) می‌فرماید... به یکدیگر هدیه بدهید تا یکدیگر را دوست داشته باشید که قطعاً هدیه دادن کینه‌ها را از بین می‌برد. [۲۶]

- روش مهرورزی

انسان نیاز به محبت کردن و مورد محبت قرار گرفتن دارد. مهرورزی مربی نسبت به متربی شیفتگی عمیق در متربی نسبت به مربی ایجاد می‌کند هنگامی که این شیفتگی حاصل شد، می‌توان با ابراز محبت، فرد را به انجام اعمال اخلاقی برانگیخت و با منع محبت، او را به ترک اعمال وادار کرد. این نکته را نیز باید در نظر گرفت که محبت نیست که هرکسی را در تمایلاتش آزاد بگذاریم و یا تمایلات او را امضا کنیم، محبت آن است که با حقیقت توتم باشد محبت خیر رساندن است براین

اساس مربیان با مهرورزی به شاگردان می‌توانند آنان را رشد دهند. امام صادق (ع) می‌فرماید. دوستی دیگران را به خود جلب کردن نیم خرد است. [۲۷]

- روش توبه

توبه راه گشاده خروج از ظلمات به سوی نور و لطف و رحمتی است که از جانب خدا برای نجات و هدایت آدمیان پیش‌بینی شده است امام صادق (ع) می‌فرماید: «توبه ریسمان خدا و وسیله لطف و عنایت اوست و هر بنده‌ای ناگزیر است که پیوسته در حال توبه باشد.» [۲۸] امام در جای دیگر می‌فرماید: «توبه را - هیچ بنده‌ای نیست که گناهی کند و از آن پشیمان گردد، جز این که پیش از آنکه طلب آمرزش کند خدا گناش را بیامرزد.» [۱۲] باید این نکته را مدنظر قرار داد که زمانی توبه واقعی است و توبه نصوح محسوب می‌شود که در انسان تحول ایجاد کند و انقلابی درونی در وجود فرد ایجاد نماید امام صادق در این زمینه می‌فرماید: «چون بنده‌ای توبه‌ای خالص و راستین کند، خداوند او را دوست دارد و در دنیا و آخرت بر او پرده پوشی کند. [۱۲]

- اصل تواضع

تواضع در آموزش، باعث زینت بخشیدن به آموزش و درس می‌شود و تأثیر آموزشی و تربیتی آن را افزایش می‌دهد و هرکس عملش بیشتر باشد باید تواضعش نیز بیشتر باشد امام صادق در این زمینه می‌فرماید "علم را طلب کنید و همراه با آن، خود را با حلم و وقار زینت دهید و برای شاگردان خود تواضع کنید [۱۲] تواضع معلم در برابر شاگردان، درس اخلاق به شاگردان است که عملاً از وی بیاموزند - امام در جای دیگر می‌فرماید «کمال عقل در سه چیز است: تواضع برای خدا، یقین نیکو و خاموشی جز از سخن خوب» [۱۴]

- روش خوش خلقی و خوش سلوکی

خوش خلقی و نیکی کردن، خانه‌ها را آباد و عمرها را زیاد می‌کند. [۱۲]

– روش اعتراف به تقصیر

در دعا ابتدا باید خدا را ستود و سپس به گناه اعتراف کرد و آن گاه حاجت را خواست. [۱۴]

– اصل آراستگی.

اصل آراستگی ناظر به جذبۀ حسن و اصل فضل ناظر بر جذبۀ احسان است. اصل آراستگی بیانگر آن است که در جریان تربیت باید صورت آنچه را عرضه می‌شود نیک آراست که رغبت‌ها را برانگیزاند. آنچه در این اصل مورد نظر است این است که روابط میان مربی و متربی آن چه در این ارتباط عرضه می‌شود، باید با وضعیتی زیبا و آراسته باشد. امام صادق(ع) در این زمینه می‌فرماید: ای شیعیان ما، زینت ما باشید، ننگ ما نباشید. [۱۹]

– روش آراستن ظاهر

امام صادق(ع) در این زمینه می‌فرماید: لباس زیبا بپوش زیرا خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد اما باید از حلال باشد. [۱۹]

– روش تزئین کلام

امام صادق(ع) در این زمینه می‌فرماید: بلاغت در سه چیز است: نزدیک شدن به معنای مورد نظر، دوری کردن از گفتار حشو و زاید و رساندن معنای زیاد با عبارت کم و کوتاه. [۱۵]

مبنا	اصول	روش‌های تربیتی
جذبۀ حسن و احسان	فضل	۱. عطا و بخشش (هدیه)
		۲. مهرورزی ۳. توبه
آراستگی	تواضع	۱. خوش خلقی و خوش سلوکی ۲. اعتراف به تقصیر
		۱. آراستن ظاهر ۲. تزئین کلام

خلاصه و نتیجه‌گیری

تربیت اخلاقی نیز مجموعه تدابیر و اقدامات تربیتی به منظور رشد آگاهی و قضاوت اخلاقی، نگرش اخلاقی (وجدان و احساس اخلاقی) رفتار اخلاقی و صفات و ملکات اخلاقی شایسته است. اخلاق و تربیت اخلاقی یکی از ارکان اساسی فرهنگ بشری را تشکیل می‌دهد و به همین سبب، این موضوع از دیرباز در فرهنگ اسلامی مورد توجه بوده و امروزه نیز در بسیاری از کشورها مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است

از آنجا که غایت تربیت از نظر اکثر مکاتب و دیدگاه‌های تربیتی رسیدن به نیکبختی است و در اسلام نیز پرورش عبد صالح مدنظر است. در تربیت اخلاقی نیز مانند سایر انواع تربیت (تربیت اجتماعی، تربیت سیاسی، تربیت حرفه‌ای و...) از نظر اسلام، غرض رشد و تعالی انسان‌ها به سوی کمال واقعی آنها یعنی قرب الی الله می‌باشد و هدف در تمام انواع تربیت، یکی است. این بابت که اخلاق در تمام شئون زندگی انسان حاکمیت دارد و مشرف بر تمام انواع تربیت هاست نوعی ملازمت با تربیت‌های دیگر را دارد به طوری که وقتی بحث از تربیت اجتماعی می‌شود نمی‌توان تربیت اخلاقی را از نظر دور داشت. چون بر هر اجتماعی بالاخره نوعی تربیت اخلاقی چه خوب و چه بد حکمفرماست و هیچ فعلی از افعال انسان نمی‌تواند از حیثه انسان خارج شود. از طرف دیگر چون هدف تمام انواع تربیت در اسلام و سیره امام صادق(ع) یکی است لذا مایه تعجب نخواهد بود اگر مبانی، اصول و روش‌های تربیت در همه آنها یکسان باشد.

در مکتب جعفری، مبانی، اصول و روش‌های تربیت از محتوای آن جدا نبوده و در همگی آنها، جهت تقرب به خدا هویدا است. ممکن است در یافته‌های پژوهشی از روشی نام برده شده باشد که آن روش خود هدف تربیت باشد و یا هدفی جزئی در قالب روش ارائه شده باشد. چون در همه موارد یاد شده جهت یکی است، لذا به نظر رسیدن روش به عنوان هدف و یا هدفی به عنوان روش اصل مسئله را لوٹ نمی‌کند.

روش‌های آموزش و پرورش دانش‌آموزان و استفاده از هر وسیله کمکی که بتوان از آموزه‌های تربیتی آن امام عزیز بهره گرفت، بکوشند.

– پیشنهادات برای تحقیقات آتی

الف: از آنجا که پژوهش حاضر بیشتر روی تربیت اخلاقی تأکید کرده است، می‌طلبد که در فرصت‌های دیگر و یا سایر پژوهشگران در زمینه انواع دیگر تربیت از جمله، تربیت سیاسی، اجتماعی، حرفه‌ای و امثالهم با استفاده از دیدگاه آن امام جلیل‌القدر اقدام نمایند.

ب: روش‌های تربیتی استنتاج و تدوین شده توسط محقق برای هریک از اصول با توجه به مبانی تربیتی انسان‌ها در این تحقیق، تنها گوشه و شمه‌ای از طیف وسیع روش‌های تربیتی است که در متن سخنان و سیره و روش تربیتی آن امام همام نهفته می‌باشد و می‌طلبد که مشتاقان تحقیق در زمینه موضوع مورد نظر بررسی عمیق‌تر و گسترده‌تری انجام دهند.

منابع

۱. داوری، محمد (۱۳۸۵) رویکردها و پرسش‌های بنیادین در تربیت اخلاقی، معارف فصلنامه علمی- پژوهشی انجمن معارف اسلامی ایران سال دوم، شماره دوم، بهار.
۲. دادبه، اصغر (۱۳۶۹) کلیات فلسفه، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.
۳. غفاری ابوالفضل، باقری خسرو (۱۳۸۰) تربیت اخلاقی فضیلت‌گرا در منظر دیوید کار، فصلنامه مطالعات اسلامی شماره ۵۳-۵۴، پاییز وزمستان.
4. Hersh, R., Miller, J., Fielding, G (۱۹۸۰): A valuing process and clarification model in: models of moral education (ch.s). NEW YORK: Longman.
۵. شاملی، عباسعلی (۱۳۷۹) در تکاپوی رسیدن به مدلی از تربیت اخلاقی در اسلام (مقاله)، نشر تربیت اسلامی، تهران.
۶. فرمهینی فراهانی، محسن (۱۳۸۶) پست مدرنیسم و تعلیم و تربیت، انتشارات آبیژ.

نکته دیگری که در این زمینه بایستی به آن توجه کرد این است که:

مبانی، اصول و روش‌های تدوین شده در این پژوهش صرفاً استنتاج محقق می‌باشد که چنانچه توسط محقق توانا تر و با فراغت بال بیشتری، به آن پرداخته شود قطعاً نوع دریافت و دسته‌بندی آن‌ها متفاوت خواهد بود، گر چه به هر صورت که تدوین گردند همگی آنها یک هدف را دنبال خواهند کرد و آن هم رسانیدن انسان به کمال است. لیکن در این زمینه حرکت باید از اصلاح ظاهر به تحول باطن، از پیامدگروی به تکلیف‌مداری و از انگیزه‌های دنیوی مشروع به انگیزه‌های اخروی صورت گیرد

پیشنهادات

– بر اساس نتایج تحقیق

الف: از آنجا که اولاً: پژوهش حاضر پیرامون یکی از مهم‌ترین مسائل زندگی بشر، یعنی تربیت او و از میان انواع تربیت مهم‌ترین قسم آن، یعنی تربیت اخلاقی می‌باشد و ثانیاً: نسخه پیچیده شده توسط محقق از خودش نبوده و از کلام گهربار مردی گرفته شده که از سلاله پاکان و زاهدان روزگار و مرتبط با وحی الهی است و سخنان کسی است که خود عامل به آن گفتار بوده و دوست و دشمن در مدح او اقرار کرده‌اند ثالثاً: جامعه اسلامی بخصوص ایران اسلامی که مدعی است شیعه آن بزرگوار می‌باشد لازم است که با گفتار و کردار آن امام همام آشنا باشند لذا برای به سعادت رسیدن جامعه اسلامی راهی جز تربیت نسل حاضر و آینده مطابق با دستورات ائمه علیهماالسلام علی‌الخصوص حضرت صادق(ع) وجود ندارد و پیشنهاد می‌گردد که همه کسانی که دلشان برای فرزندان امت اسلامی می‌تپد با روش‌های تربیتی آن امام بزرگوار آشنا شده و فرزندان این مرز و بوم را با آن روش‌ها به سوی تعالی و سعادت رهنمون شوند.

ب: مسئولین و برنامه‌ریزان تربیتی در سطوح مختلف با عنایت به نتایج پژوهش حاضر و کنکاش در سایر موارد تربیتی نسبت به تهیه دستورالعملها، کتابها،

۷. تاجیک (۱۳۷۸) فرامدرنیسم و تحلیل گفتمان، تهران، نشر مؤسسه توسعه دانش.
۸. Gribov , shulamit (2000) "Minimalistic virtue ethis: Theory for moral education" Simon fraser university , Degree: PhD , CANADA.
۹. باقری، خسرو (۱۳۶۴) نقد تطبیقی مبانی و شیوه‌های تربیت اخلاقی قدما و روان‌شناسی معاصر، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، رساله فوق لیسانس.
۱۰. رهنما، اکبر (۱۳۷۸) بررسی و تجزیه و تحلیل خاستگاه‌ها، غایات و روش‌های تربیت اخلاقی از دیدگاه کانت و خواجه نصیرالدین طوسی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، رساله دکتری.
۱۱. باقری، خسرو (۱۳۸۵) تربیت اسلامی، جلد ۱ تهران، انتشارات مدرسه.
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۳. رضی الدین ابوالفضل علی بن ابی نصر الطبرسی (بی‌تا) مشکاه الانوار فی غرر الاخبار، الطبعة الثالثة، مؤسسه النور للمطبوعات، بیروت.
۱۴. مجلسی، علامه محمدباقر (۱۴۰۳ هـ ق)، بحار الانوار، بیروت.
۱۵. حسن بن علی بن الحسن بن شعبه حرانی (۱۳۷۶ هـ ق) تحف العقول. تهران. مکتب الصدوق.
۱۶. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۳) پنجاهای امام صادق (ع) به ره جویان صادق، نشر مرکز انتشارات مؤسسه آموزش و پژوهش امام خمینی (ره)، تهران
۱۷. فیض کاشانی، ملاحسن، وافی، اصفهان، ۱۳۲۴ هـ ق
۱۸. کمپانی، فضل‌الله (۱۳۵۲)، حضرت صادق علیه السلام، نشر دارالکتب الاسلامیه تهران.
۱۹. شیخ حر عاملی، محمد بن الحسن (۱۳۹۱ هـ ق) وسایل الشیعه، بیروت.
۲۰. حسنی، محمد (۱۳۷۹) در آمدی بر مبانی، اصول و روش‌های تربیت سیاسی از دیدگاه امام علی (ع)، از مجموعه مقالات همایش تربیت در سیره و کلام امام علی (ع)، مجله تربیت اسلامی.
۲۱. احمدی، حبیب‌الله (۱۳۸۵) امام صادق (ع) الگوی زندگی، انتشارات فاطمیه، قم.
۲۲. حمیدی، مهرزاد (۱۳۶۵)، بازی‌های پرورش (درسهای تربیت بدنی، واحد پرورش، مرکز تربیت معلم)، (دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی و تألیف دروس وزارت آموزش و پرورش) انتشارات شرکت چاپ و نشر ایران.
۲۳. رشیدپور، مجید (۱۳۶۶) رشد اجتماعی، تهران، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
۲۴. نوری الطبرسی، میرزا حسین (۱۴۰۹ ق) «مستدرک الوسائل» بیروت، مؤسسه اهل البيت لاحیاء التراث.
۲۵. چراغ چشم، عباس (۱۳۸۵) مبانی تربیت اسلامی. وزارت آموزش و پرورش انتشارات آثار دانشمندان.
۲۶. شیخ صدوق (۱۴۰۳ هـ ق)، خصال، ج ۱ و ۲، چاپ دوم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم.
۲۷. ابونعیم اصفهانی (۱۳۵۱ هـ ق)، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیاء، مصر، مطبعة خانجی.
۲۸. مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه (۱۴۰۰ ق) المنسوب الی الامام الصادق، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت.